

نگاهی به ترجمه‌های حافظ به انگلیسی

دکتر فریده پورگیو

چکیده:

ترجمه، یکی از راه‌های انتقال عناصر فرهنگ ما و ارتباط ملت‌ها با یکدیگر است و هیچ فرهنگی جدای از فرهنگ‌های دیگر، امکان رشد و بالندگی ندارد. در این نوشته، تاریخچه‌ای از سیر ترجمه در ایران، دلایل ترجمه شعر، مختصری از دیدگاه‌های حاکم بر مراکز علمی درباره‌ی مسایل ترجمه از نیمه‌ی دوم قرن بیستم یعنی دو ره‌یافت اصلی: رویکردهای فرهنگ - محور و رویکردهای زبان‌شناسی و بررسی تاریخی اشعار حافظ ارائه شده است.

۱- مقدمه:

ترجمه، پدیده جدیدی ویژه قرن بیستم نیست، بل که هزاران سال است در هر کجای این کره که مردمی در رفت و آمدند ترجمه، به اشکال مختلف انجام می‌شود. در ایران نیز از روزگاران قدیم و به دلیل زفت و آمد و تهاجم اقوام مختلف و نیز وجود جاده‌ی ابریشم، ترجمه در سرگذشت مردم تأثیر داشته است.

دامادی (۱۳۷۳) معتقد است «پیشرفت و شکفتگی هر فرهنگی به میزان

تراوش‌های دیگر فرهنگ‌ها در آن بستگی دارد و ترجمه، یکی از راه‌های انتقال عناصر فرهنگ‌ها در یکدیگر است» (۵۶). ندیم در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاریخی سیر ترجمه در ایران باستان»، مراحل و مسایل ترجمه در دوران مادها، هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان را با آوردن مثال‌ها و دادن منابع فراوان به بحث می‌گذارد.

ورزگر (۱۳۷۳) نیز در نوشته‌ای سیر ترجمه از دوران کهن تا عصر مغول را بررسی می‌کند. وی معتقد است:

«ترجمه، یکی از مبانی اصلی تبادل فرهنگ‌های جهان است، به خصوص برای ایران که چهار راه تمدن پیش از مسیحیت و دوران اسلامی پس از آن بوده است.» (۳۱۱).

ندیم از نهضت علمی و ادبی گسترده‌ای در زمان انوشیروان نام می‌برد که در ترجمه نیز کارهای بسیاری در آن زمان انجام شد. ورزگر نیز از قول ابن‌ندیم می‌نویسد: «اردشیر بابکان برای جمع‌آوری کتب از سراسر جهان آن روز، کسانی را به سرزمین‌های مألوف فرستاد که مجموعه‌ای در خور کتابخانه‌های او جمع‌آوری و همه را به زبان پهلوی ترجمه نمودند.» (۳۱۸).

به هر حال ترجمه به دلایل مختلف انجام می‌گیرد ولی در پس هر دلیلی، نیاز عامل اصلی ترجمه است و می‌تواند نیاز به دانستن، قدرت یا رفع احتیاج و یا کنجکاوی صرف باشد. اما همان گونه که در آغاز سخن گفته شد، هیچ فرهنگی جدای از فرهنگ‌های دیگر امکان رشد و بالندگی ندارد و شکفتگی فرهنگ از طریق ترجمه را می‌توان در «شکوفایی تمدن اسلامی بیش‌تر از طریق برگرداندن آثار یونانی، سریانی (زبان علمی مسیحیت) و پهلوی به زبان تازی» و «ترجمه آثار عربی به زبان لاتین و زبان‌های اروپایی در تکامل فرهنگی ... در دوران بازرایی (حرنسانس)» (دامادی، ۵۶) به خوبی مشاهده کرد.

۲- دیدگاه‌های ترجمه جدید:

ترجمه، تعاطی و ارتباط میان دو زیست جهان است یعنی «زیست جهان زبان مبدأ و زیست جهان زبان مقصد، مترجم باید به تفاوت‌های این دو زیست جهان و در هم شدن افق‌های معنایی زبان مبدأ و مقصد توجه کند.» (فقیری ۱۳۸۲:۲۶)

ترجمه البته مقوله‌ای بحث‌انگیز بوده و هست و فقط مختص کشورهای در حال توسعه، توسعه نیافته و جهان سومی نیست. مری اسنل هورنبای (۱۹۹۰) در صحبت از ترجمه می‌گوید که نظریه‌ی ترجمه قبلاً بیشتر بر آثار ادبی مشهور تکیه می‌کرد و در مرکز این بحث رویایی نظریه‌ی کلمه با مفهوم و یا ترجمه‌ی وفادار به متن در برابر ترجمه‌ی آزاد قرار گرفته بود.

از نیمه‌ی دوم قرن بیستم، دو رهیافت اصلی ترجمه حاکم بر مراکز علمی مربوط به مسایل ترجمه است: رویکردهای فرهنگ - محور و رویکردهای زبان‌شناسی، حسین ملانظر (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان: «مطالعات ترجمه: فرهنگ، زبان و ادب» این نوع رهیافت را به تفصیل توضیح می‌دهد. مختصری از بحث وی به دنبال می‌آید.

در رهیافت زبان‌شناسی که در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی آغاز شد، از یافته‌های زبان‌شناسی سوسور، چامسکی یا هیلدی در مطالعه‌ی ترجمه استفاده کردند تا ماهیتی علمی به این گونه مباحث بدهند. از جمله مقوله‌های مورد نظر، یکی این بود که آیا ترجمه هنر است یا فن و یا علم. نیز با استفاده از اصطلاح تعادل به عنوان محمول اصلی بحث در ترجمه، موضوع وفاداری و آزادی مترجم را توضیح دهند. به عقیده‌ی این دسته از پژوهش‌گران تا قبل از قرن بیستم آنهایی که درباره‌ی ترجمه می‌نوشتند، نظریه‌ی ترجمه ارایه نمی‌دادند، بل که تاریخچه‌ای از اصول ترجمه و عمل ترجمه که بیشتر در زمینه‌ی ادبیات بود، می‌نوشتند.

این دوران را «ماقبل علمی» می‌خوانند. ملانظر (۱۳۸۲) معتقد است که:

«با پیروی از اصول رویکردهای سنتی به ترجمه، به خاطر ترجیح

آموزشی ... رویکردهای مبتنی بر زبان‌شناسی به لحاظ ماهیت عمدتاً

تجویزی و فرمایشی باقی ماندند» (۱۱).

حسین ملانظر نارسایی‌های رویکردهای مبتنی بر زبان‌شناسی را به سه دسته تقسیم می‌کند: (۱) ماهیت تجویزی (۲) مبدأ محوری، یعنی که متن مبدأ و اصلی مرکز توجه است و (۳) کراهت نسبت به مطالعه متون ادبی» (۱۳).

البته در دهه‌های بعدی قرن بیستم، تحولاتی در زبان‌شناسی ایجاد شد و زبان به عنوان «یک پدیده‌ی پویای قابل مشاهده» (ملانظر ۱۵) مطرح شد و بنا بر این روش مورد استفاده در چنین پژوهشی پدیده‌ای توصیفی (تجربی) است. رویکردهای فرهنگ - محور مطالعات ترجمه شامل ویژگی‌هایی مانند ماهیت تجربی مطالعات ترجمه، به رسمیت شناختن تفسیرهای مختلف و هم چنین چندین ترجمه ممکن از یک متن، مقصد محوری و مطالعه توصیفی، رفتار، ترجمه‌ای واقعی می‌شود. در این قسمت مفاهیمی مانند هنجارها، آشنایی زدایی، غربت زدایی، ناهمگونی، همانندسازی و کدر بودن و شفافیت مطرح می‌شوند.

۳- آیا شعر قابل ترجمه است؟

اگر ترجمه را انتقال مفهوم نوشته یا گفته‌ای از زبان مبدأ به زبان مقصد در نظر بگیریم، آیا شعر قابل ترجمه است؟ بعضی از شعرا مانند برات فراست و شلی معتقدند که شعر ترجمه‌ناپذیر است. منافی اناری (۱۳۸۲) معتقد است:

ممکن بودن یا غیرممکن بودن ترجمه‌ی شعر، هیچ کدام نباید به معنی مطلق آن در نظر گرفته شود. یک پیام را می‌توان به هر زبان طبیعی انتقال داد. تنها صورت این پیام است که در زبان‌های مختلف و نیز در نظم و نثر متفاوت می‌باشد. بنا بر این گرچه این امکان وجود دارد که بتوان یک شعر را به نحوی ترجمه کرد که در زبان مقصد قابل قبول باشد، اما انتقال تمام ویژگی‌ها و زیبایی‌های متن اصلی شعر به زبان ترجمه امکان‌پذیر نیست.

از طرف دیگر، ضیاء حسینی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان: «برتری ترجمه نسبت به تألیف: تحلیلی از دیدگاه روان‌شناسی زبان» عقیده دارد:

مترجم بیش از نویسنده درگیر فعالیت‌های ظریف ذهنی است. او باید ابتدا متن اصلی را درک کند و سپس به گونه‌ای واژه‌ها و جمله‌های معادل در زبان هدف را انتخاب کند که خواننده‌ی متن ترجمه شده، همان پیام را دریافت و همان زیبایی متن اصلی را احساس کند. نتیجه این که، به لحاظ ذهنیت و احترام اجتماعی، مترجم بر نویسنده تفوق دارد، اگرچه در جوامع متمدن هر دو از مقام والایی برخوردارند. (۴۰)

۴- اهمیت و دلیل ترجمه حافظ:

درباره‌ی اهمیت و دلیل ترجمه حافظ به زبان‌های دیگر، پژوهش‌گران بسیاری نوشته‌اند. آنماری شیمل (۱۳۶۷) می‌گوید:

در صحبت از شیراز قرن هشتم / چهاردهم حتی در صحبت از این شهر در نزد تمام غربیان تحصیل کرده، بلافاصله تنها یک نام تداعی می‌شود ... «یعنی محمد شمس‌الدین حافظ» ... و از نظر محبوبیت، خاصه در جهان انگلیسی زبان فقط نام خیام است که توانسته با او پهلوی بزند، چون حافظ است که شادکامی مصنوعی را تبلیغ می‌کند و لذت کامی از باده حرام را پیش می‌کشد و عشق را با تمامی سایه روشنش توصیف می‌کند ... (۵۴-۵۵)

معمولاً موقع تحسین از جهانی بودن حافظ، نام گوتته بر زبان می‌آید. در شهر وایمار، زادگاه گوتته، بنای یادبودی برای این دو شاعر مشهور بر پا شده است و پایگاه

ایترنتی نیز وجود دارد. علایی حسینی (۱۳۷۴) به نقل از خانلری می‌نویسد که:

«حتی انگلس فیلسوف معروف انگلیسی در نامه‌ای که به مارکس همکار نزدیک خود می‌نویسد، از دل مشغولی خود به حافظ سخن می‌گوید و این موضوع را پنهان نمی‌کند که مانند گوته قصد آموختن زبان فارسی را داشته تا حافظ را بهتر بفهمد» (۷).

آنماری شیمل می‌گوید:

«اروپا برای اولین بار در سال ۱۶۵۰ میلادی سخنی درباره‌ی حافظ شنید و آن زمانی بود که پی پترو دلاواله ایتالیایی در سفرنامه‌ی خود، ذکری از حافظ به میان آورد» (علایی حسینی، ۷).

در سال ۱۸۶۰ میلادی «فرانسیسکو مینیسکی» که نویسنده‌ی اولین دستور زبان فارسی به لاتین می‌باشد یکی از غزلیات حافظ را به زبان لاتینی ترجمه کرد. اولین ترجمه‌ی فرانسوی بعضی از غزلیات حافظ توسط «ویلیام جونز» در سال ۱۷۷۱ انجام شد. فهرست اسامی مترجمان اشعار حافظ از قرن هجده‌ی میلادی تا کنون به دنبال آمده است.

۵- ترجمه‌های حافظ:

سیر تاریخی ترجمه‌ها: اولین ترجمه‌ها تا قرن ۱۹:

- ۱۷۷۱ سرویلیام جونز

- ۱۷۷۴ جان ریچاردسون

- ۱۷۸۵ تامس لا

- ۱۷۸۶ ا.ج. ا.ج.

- ۱۷۸۷ جان نات

- ۱۷۹۵ آو سی لی

- ۱۸۰۰ جان هدن هیندلی

«سر ویلیام جونز» از دوستان نزدیک «ساموئل جانسون» ادیب مشهور و «ادموند برک» سیاستمدار، فیلسوف و نویسنده‌ی قرن ۱۸ انگلیس بود. جونز شرق‌شناس برجسته و قاضی دادگاه عالی کلکته از ۱۷۸۳ تا زمان مرگ بود. با سانسکریت آشنایی کامل داشت و پیشرو در مطالعات و پژوهش‌های تطبیقی بود. آثار وی تاثیر بسیاری در بن‌مایه‌ی شرقی مورد استفاده شاعران رومانتیک مثل «بایرون»، «ساتی» و «مور» داشت. کتاب دستور زبان فارسی از آثار وی می‌باشد. وی در ترجمه‌ی غزل «آن ترک شیرازی» هیچ‌گونه حالت عرفانی یا روحانی در آن نمی‌بیند و به قول «پال اسمیت» وی تکنیک شاعرانه و نسخه‌ی رومانتیک خود از حافظ را می‌نویسد:

جان ریچاردسن در سال ۱۷۷۴ کتاب «نمونه‌هایی از شعر فارسی» را چاپ کرد که ترجمه‌ی ۱۶ غزل حافظ نیز جزء آن است. ترجمه‌ی وی نیز همانند ترجمه‌ی جونز بیش از حد رومانتیک است و صرفاً درباره‌ی دنیای مادی است.

«تامس لا» نیز مانند جونز و ریچاردسون ساختار قافیه شعر را حفظ نمی‌کند و معشوق نیز همیشه مؤنث انگاشته می‌شود.

«اچ. اچ.» سعی می‌کند قافیه و ردیف شعر حافظ را حفظ کند و روح شعری بهتری در ترجمه به دست بدهد، اما وی فقط یک غزل ترجمه کرده است. «جان‌نات»، شانزده غزل ترجمه کرده و هنوز تأثیر جونز بر کار وی آشکار است. دیدگاه حاکم هنوز روتیک است.

«جان هدن هیندلی»، ۱۱ غزل به نظم و نثر از حافظ ترجمه کرده است.

سیر تاریخی ترجمه‌ها؛ قرن نوزدهم:

- ۱۸۴۱ رالف والدو امرسون

- ۱۸۷۳ رایینسون

- ۱۸۷۵ هرمان بیکنل

- ۱۸۷۷ ادوارد هنری پالمیر

- ۱۸۹۱ هنری ویلبر فورس کلارک، ۱۹۹۷، تجدید چاپ با مقدمه هیلمن

- ۱۸۹۷ گرتروود بل، ۱۹۹۵ تجدید چاپ، ۱۹۷۹ با مقدمه ادیس شاه

- ۱۸۹۸ والتر لیف

«امرسون» شاعر مشهور آمریکایی است که یک غزل را ترجمه می‌کند و بسیار تحت تأثیر حافظ و نیز سعدی قرار گرفته است.

«هرمان بیکنل» پزشک بود، در هند زندگی می‌کرد. در سال ۱۸۶۲ با نام عبدالواحد به مکه سفر می‌کند و سپس به شیراز می‌آید تا با شهر حافظ آشنا شود. وی ۱۸۹ غزل ترجمه کرده است. بیکنل از کلمات فارسی و عربی در شعر استفاده می‌کند و ساختار ترجمه‌ی وی بیشتر با حافظ نزدیک است. ترجمه‌ی وی، اولین ترجمه‌ی عارفانه از شعر حافظ به انگلیسی است. معشوق را گاهی مذکر ترجمه می‌کند و به نظر می‌رسد، بیشتر تحت تأثیر مترجمین آلمانی است و با اسلام و تصوف نیز آشنایی دارد.

«هنری ویلبر فورس کلارک»، افسر ارتش بریتانیا در هند و متعلق به فرقه‌ای از صوفیه بود. کل دیوان را نه به نظم، بل که به نثر برگرداند و توضیحات و اطلاعات زیادی چه در بین سطور و چه به صورت پاورقی دربارهای واژه‌ها و اصطلاحات می‌دهد. وی بر جنبه‌ی روحانی - عرفانی متن تأکید زیادی دارد.

ترجمه‌ی کلارک مجدداً با مقدمه‌ی هیلمن، استاد زبان فارسی دانشگاه تکزاس، در سال ۱۹۹۷ چاپ شده است. و کامل‌ترین نسخه‌ی ترجمه‌ی حافظ است. این چاپ

جدید شامل غزلیات، رباعیات، قطعات، مثنوی، ساقی‌نامه، مغنی‌نامه، قصاید و مخمس‌ها است. در این نسخه، جدولی اضافه شده که نسخه‌ی انگلیسی را با نسخه قزوینی - غنی و دکتر خانلری مطابقت می‌دهد.

«گرود لویتان بل» اولین زنی بود که با رتبه‌ی اول، مدرک تاریخ جدید را از دانشگاه اکسفورد به دست آورد. وی مسافرت‌های فراوانی به سوریه، آسیای صغیر و بین‌النهرین داشت. کوهنورد برجسته‌ای بود و اطلاعات فراوانی از اعراب بادیه‌نشین و سیاست‌های خاورمیانه باعث شد که ابتدا در مصر و سپس در عراق مشاور امور شرق بریتانیا شد. از وی به غیر از آثار باستان‌شناسی و گزارشات سیاسی کتاب‌های مشهوری نیز به جا مانده است. از جمله:

سفرنامه: تصاویر ایرانی (۱۸۹۴) و بیابان و گشتزار (۱۹۰۷). ترجمه‌ی وی از حافظ زیبایی شعری دارد، ولی شکل غزل ندارد. در ترجمه‌ی وی، معشوق مؤنث محسوب شده است.

«والتر لیف»، شاعر مشهوری در زمان خود بود و ۲۸ غزل از دیوان حافظ را به نظم ترجمه کرد که در سال ۱۹۷۹ با مقدمه‌ی ادیس شاه مجدداً به چاپ رسید.

سیر تاریخی ترجمه‌ها: ۱۹۰۱ تا ۱۹۶۰:

- ۱۹۰۱ جان پین

- ۱۹۰۵ ریچارد لوگالی ین

- ۱۹۱۰ کرانرینگ

- ۱۹۱۷. ا. واندروود و ای جی ایرانی

- ۱۹۲۰ ادوارد براون

- ۱۹۲۱ الیزابت بریجز (داریوش)

- ۱۹۲۲ نیکلسن

- ۱۹۲۳ روبن لوی

- ۱۹۲۸ استریت

- ۱۹۳۷ استلارد

- ۱۹۳۹ منصف

- ۱۹۴۱ شاستری

- ۱۹۴۷ آربری

- ۱۹۴۸ مسعود فرزاد

- ۱۹۵۲ پیتر اوری و جان هیت استابز

در نیمه اول قرن بیستم ترجمه‌های بیشتری از حافظ منتشر میشود.

«جان پیتن»، تمام دیوان را به شعر انگلیسی برگرداند و سعی در حفظ وزن و ساختار شعر حافظ در ترجمه داشت. پین با تفسیر کلارک از حافظ، کاملاً مخالف بود. وی حافظ را یاغی، سرخوش، عیاش و افسار گسیخته می‌دانست و روش وی بری از هر گونه تصوف و عرفان است.

«ریچارد لوگالی یسن»، شاعر مشهوری در عصر خود بود اما اصلاً فارسی نمی‌دانست. ترجمه‌ی وی بر اساس ترجمه‌های کلارک و پین است.

بین سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۰ چندین نفر دست به ترجمه‌ی بعضی از غزلیات حافظ زدند از جمله کرانمر - بنیگ - الی، دبلیو اندرو وود و دی جی ایرانی. به تبعیت از ترجمه‌ی رباعیات خیام و نسخه‌ی فیتز جرالذ، رباعیات حافظ نیز ترجمه شد.

از مترجمین مشهور این دوره ادوارد براون است که به نظر می‌رسد فقط غزل «آن ترک شیرازی» از حافظ را ترجمه کرده است. الیزابت بریجز (داریوش) و رابرت اوبارد نیز هر کدام چندین غزل از حافظ ترجمه کرده‌اند. نیکلسن، مترجم مشهور مثنوی نیز

چندین غزل از حافظ ترجمه نمود.

«مسعود فرزاد» در سال ۱۹۳۴ اولین ایرانی است که اشعار حافظ را ترجمه می‌کند.

آربری که مترجم قرآن نیز هست در ۱۹۴۷ چند غزل را ترجمه کرد.

از دیگر مترجمین مشهور در دهه‌های قبل از ۱۹۸۰ می‌توان از پیتر اوری و

جان‌هیت استابز نام برد که شاعر و نویسنده هستند.

سیر تاریخی ترجمه‌ها؛ ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰:

- ۱۹۶۴ ردر

- ۱۹۶۵ عباس آریان‌پور

- ۱۹۶۶ هادی حسن

- ۱۹۷۳ مهدی نخستین

- ۱۹۷۳ ماد کندی

- ۱۹۷۴ مهر بابا

- ۱۹۷۶ مایکل هیلمن

- ۱۹۸۳ پال اسمیت: کتاب ساقی: مثنوی حافظ

- ۱۹۸۸ پال اسمیت: هدیه عشق: رباعیات حافظ

«عباس آریان‌پور» و «مهدی نخستین» از دیگر ایرانیانی هستند که دست به

ترجمه‌ی حافظ زدند. «مایکل هیلمن» نیز در تز دکترای خود با نام «وحدت در شعر

حافظ»، شانزده غزل را ترجمه و تفسیر کرده است.

«پال اسمیت» استرالیایی نیز ترجمه‌ی کامل دیوان حافظ را در دو جلد ترجمه و

چاپ کرده است. وی در مقدمه‌ی ترجمه‌ی خود می‌گوید که پانزده سال صرف این

ترجمه کرده است که در حقیقت برداشتی از ترجمه‌های دیگران از حافظ بوده است،

زیرا که وی فارسی نمی‌داند.

سیر تاریخی ترجمه‌ها؛ دهه‌ی نود تا کنون:

- ۱۹۹۳ «عنایت خان» و «کولمن بارکس»: سخنرانی‌های عنایت خان، پنجه‌شعر: پنج شاعر عرفانی.
- ۱۹۹۵ «الیزابت گری»: دریای سبز بهشت، ۵۰ غزل از دیوان حافظ.
- ۱۹۹۵ «رضا صابری»: اشعار حافظ.
- ۱۹۹۶ «دانیل لدنیسکی»، «هنری فنیدلین» و «کلارک»: صدای خنده خدا را شنیدم: برداشتی از حافظ.
- ۱۹۹۷ «دانیل لدنیسکی»: نفس خورشید.
- ۱۹۹۸ «پور افضل» و «مانت گمری»: حکمت عرفانی حافظ: آموزه‌های معلم عشق.
- ۱۹۹۹ «دانیل لدنیسکی»: هدیه: اشعار حافظ، مرشد بزرگ صوفی
- ۲۰۰۱ «کلمن بارکس»، سوختن می‌طلبم: دنیای شیدایی رومی، حافظ و لالا، سی‌دی موسیقی.
- ۲۰۰۱ «توماس رین کرو»: مست شراب معشوق.
- ۲۰۰۱ «توماس رین کرو»: در کوچه شراب فروش.
- ۲۰۰۲ «دانیل لدنیسکی»: اشعار عاشقانه از خدا؛ ۱۲ صدای مقدس.
- ۲۰۰۳ «دانیل لدنیسکی»: امشب صحبت عشق است.
- ۲۰۰۳ «دانیل لدنیسکی»: بوی نور.
- ۲۰۰۳ «دانیل لدنیسکی»: تقویم حافظ.
- ۲۰۰۳ «فیلیپ اسمیت و لوگالی بن»: بلبل تازه، گل سرخ تازه.
- ۲۰۰۳ «پیتر اوری» و «جان هیت استابز»: حافظ شیراز، سی شعر.

چندین نفر از جمله «تامس رین کرو» که خود شاعر، مترجم، ویراستار، ناشر و

هنرمندی موسیقیدان است، دست به ترجمه‌ی اشعار حافظ می‌زنند و نیز «دانیل لدینسکی» که چندین کتاب شعر چاپ می‌کند که اسم حافظ در آن آمده است؛ ولی به عقیده‌ی بسیاری، آن چه که وی چاپ کرده است، ترجمه نیست. لدینسکی یک سی دی موسیقی از ۳۰ غزل حافظ و یک تقویم حافظ ارایه داده است. آن گونه که از نام‌های این کتاب‌ها بر می‌آید، بیشتر برداشتی آزاد از اشعار حافظ و تحت تأثیر جو متمایل به عرفان و تصوف در دهه‌های هشتاد و نود در غرب، به ویژه آمریکا، قرار دارد.

منابع:

۱- فارسی:

- دامادی، سید محمد (۱۳۷۳). «درباره‌ی ترجمه». مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بررسی مسایل ترجمه، تبریز، دانشگاه تبریز، ۶۴ - ۵۶.
- شیمیل آنماری (۱۳۷۴). «حافظ و نقد حالش»، ترجمه‌ی محمد فرمانی. فصل‌نامه هنر، شماره ۲۹، صص ۵۳۸ - ۵۲۳.
- شیمیل آنماری (۱۳۶۷). «حافظ در ترازوی نقد». ترجمه‌ی یعقوب آژند. مجله‌ی دانشگاه انقلاب، شماره‌ی ۵۲ (فروردین)، صص ۵۸ - ۵۳.
- علایی حسینی - مهدی. (۱۳۷۴). «حافظ شیراز در اروپا»، سروش. سال هفدهم، شماره ۷۷۳، صص ۱۶۱۰.
- فقیری، غلام محمد. (۱۳۸۲). «ترجمه نقش محور». مطالعات ترجمه. سال اول، شماره سوم.
- ملانظر، حسین. (۱۳۸۲). مطالعات ترجمه: «فرهنگ زبان و ادب». مطالعات ترجمه، سال اول، شماره اول، صص ۳۰-۷.
- ندیم، مصطفی. (۱۳۷۳). «بررسی تاریخی سیر ترجمه در ایران باستان». مجموعه

مقاله‌های دومین کنفرانس بررسی مسایل ترجمه. تبریز، دانشگاه تبریز، صص

۲۲۶-۲۸.

- ورزگو، مینو. (۱۳۷۳). «سیر و تحول ترجمه در ایران از دوران کهن تا عصر

مغول». مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بررسی مسایل ترجمه. تبریز: دانشگاه

تبریز، صص ۳۱۱-۳۲۵.

- یادمان حافظ و گوته در وایمار: «نماد گفتگوی شرق و غرب». پایگاه اینترنتی

سفارت ایران در آلمان (۲۰۰۴).

[http:// www.iranembassy.de /f-elmi/farhang2.htm](http://www.iranembassy.de/f-elmi/farhang2.htm).

۲- منابع انگلیسی:

Mnanfi Anari, Salar. (2003). "The Scope of Translability."
Translation Studies, Vol. 1, 9030, 79.

Smith, Paul.(1986) . **Divan of Hafiz Melbourn**: New Humanity Books.

Snell-Hornby. (1990). "Linguistic Transcoding or Cultural Transfer?
A Critique of Translation Theory in Germany." In **Translation and Culture**.
(Ed.) Susan Bassnett and Ander Lefever.
London: Printer Publishers, 79-86.

Ziahosseiny, S. M. (2003) . "Supremacy of Translation Over Writing:
A Psychalinguistic Analysis." **Translation Studies**, Vol. 1, No.
3, 61-68,40.